

مجله زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال چهارم-بهار و تابستان ۱۳۸۵

میر سید علی همدانی و سهم او در انتقال فرهنگ اسلامی به شبه قاره

دکتر رشیده حسن

دانشگاه ملی زبان های خارجی

اسلام آباد



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

چکیده

میر سید علی همدانی از مشایخ بزرگ صوفیه در شبه قاره است. خانقاه وی زیارتگاه عموم مسلمانان اعم از حنفی، شافعی، حنبلی، شیعه و حتی هندو، سیک و بودایی می باشد. شرح حال و آثار او در این مختصر مورد بررسی قرار خواهد گرفت و جایگاه والای او در مناطق کشمیر و جامو و گلگت و بلستان، بهخصوص در میان مسلمانان این نواحی مشخص خواهد شد.

واژگان کلیدی: همدانی، صوفیه، آثار، شبه قاره، مسلمان.

مقدمه

دین مبین اسلام که کامل کننده ادیان پیشین و برترین شریعت الهی است، ظلمت ها را زدوده و جهان و جهانیان را به سوی راه روشن زندگانی راهنمون ساخته است. این دین در میان عرب ها ظهور کرده؛ اما ابلاغ پیام و تعلیم معارف آن و گسترده ترین و عمیق ترین فعالیتها را در مورد تعمیم و تشهیر آن پیام منور ربانی، ایرانیان به عهده داشته اند. به ویژه در سرزمین شبه قاره فرهنگ اسلامی جامه ی فرهنگ ایرانی را بر تن دارد. لغات و اصطلاحات دینی و غیر دینی که از فارسی به زبان های بومی این سرزمین راه یافته نشان می دهد که عمده ترین نقش را درین مورد ایرانیان برعهده داشته اند.

در شبه قاره مردم به هادیان راه حقیقت و پیروان طریقت علاقه و عقیدت زیادی دارند و اینان از مقام و منزلت والایی برخوردارند. زیرا هم در زندگی شخصی شان، آدم های مخلص و صادقی بوده اند و هم سعی بلیغ داشته اند براینکه نمونه کاملی از مسلمانان واقعی باشند، و عملاً به اثبات رسانده اند که سزوار الگو شدن بوده اند. نقش این بزرگان، تنها به دوره های حکومت های اسلامی و شهنشاهان مسلمان محدود نیست؛ بلکه در گذشته های کهن، ملل و نژاد هایی که در شبه قاره ساکن بودند به دست همین مشایخ و عارفان و صوفیان به راه حقیقت راهنمون شده اند و وجود پر برکت عارفان و صوفیان باعث شد که پیروان ادیان مختلف از پرستندگان آفتاب و باران و ستاره و رب النوع های مختلف و حتی بوداییها، به دین مبین اسلام بگرایند. این عارفان و عاشقان راه طریقت در زندگانی مردم این منطقه تحولات و تغییراتی به وجود آوردند که نه تنها آنان را با ارزشهای دین اسلام آشنا ساخت، بلکه در زندگی و فرهنگ اخلاقی و سیاسی مردم شبه قاره نیز تأثیر داشت، نیازهای روحی مردم آن سامان را بر آورده می ساخت و مشکلات معتقدان و مریدان را نیز حل می کرد. علم و فضیلت و تقوی و درستکاری سرمایه ی اساسی شان بود و همین صفات بود که باعث شد نفوذشان در قلب های مردم عمیق تر شود.

در میان اینچنین مشایخ کرام، میر سید علی همدانی، معروف به امیر کبیر و شاه همدان و علی ثانی، از امتیاز خاصی برخوردار است و حضور شخصیت میر سید علی همدانی بدون تردید، بر جوامع مختلف کشمیر، هند، پاکستان و افغانستان تأثیر گذار بوده به طوری که امروز هم پژوهشگران راجع به حدود فعالیت و اثر بخشی او تحقیق و تفحص می نمایند و شخصیت و

کارهای میر سید علی همدانی، منبع الهام برای پژوهشگران تازه نفس قرار گرفته است. اگر چه راجع به شخصیت و کارهای میرسید علی همدانی تحقیق و بررسی های زیادی به عمل آمده است ما مردم شبه قاره، بخصوص مردم منطقه پکهلی، مدیون و مرهون آن شخصیت برجسته هستیم که ظلمت های این خاک را با شعاع درخشان آفتاب اسلام، زدوده است.

ولادت و زادگاه و نسب میر سید علی همدانی

طبق نوشته تذکره صوفیان سرحد ولادت با سعادت شیخ امیر کبیر سید علی همدانی بن شهاب الدین، در تاریخ ۱۲ رجب، روز دوشنبه سال ۷۱۴ هجری (۱۳۱۴ م.) اتفاق افتاد. (قدوسی، ۱۹۶۶: ۳۸۹) تولد وی در زمان سلطنت محمد خدا بنده اولجایتو (۷۰۳-۷۱۶) یعنی هشتمین پادشاه از سلاطین مغول ایلخانی در همدان روی داده است. (اذکایی، ۱۳۷۰: ۱۴) از طرف پدر سید علی به هفده واسطه به امام متقیان، حضرت علی می پیوندد. اسم پدرش را سید شهاب الدین حسن نوشته اند. وی از سوی مادر نیز «علوی» بوده است. چنان که خودش می گوید که نسبش از جانب والدیه به هفت پشت به رسول الله صلی الله علیه و سلم می پیوندد (علام سرور، بی تا: ۲۹۵) پس نسب سید علی از سادات اصیل علویان حسینی و سادات طباطبایی است که از اولاد امام حسین هستند. تذکره نویسان نام او را «علی» نوشته اند. همین نام در آثار او ذکر شده و در اشعارش گاهی به همین نام تخلص کرده است. در بیشتر اشعارش تخلص او علایی است. معروف به امیر کبیر، علی ثانی، شاه همدانو معمولاً به میر (امیر) سید علی همدانی شهرت دارد. پدر وی سید شهاب الدین نام داشت. علاوه بر لقب شاه همدان و علی ثانی، القابی همچون قطب الاقطاب، محی العلوم النبیاء و المرسلین، افضل المحققین، اکمل المدققین، الشیخ الکامل، العارف المعروف و سلطان سادات و العرفاء نیز در مورد او نوشته شده است. پدر میر سید علی، یعنی سید شهاب الدین را به عنوان حاکم همدان ذکر کرده اند. ولی طبق ماخذ دیگر او حاکم مطلق نبوده؛ البته شاید معاون حاکم یا صاحب مرتبه ای بوده باشد. پس به نظر می رسد که شهاب الدین مرد مقتدری بوده و با امراء و سلاطین ارتباط داشت است. در این مورد خودش می فرماید در مورد والد التفات نمی کردم بدان سبب که او حاکم بود و مرد دنیا داری بود در همدان و ملتفت به سلاطین و امراء. (بدخشی، ۱۳۷۴: ۳۲) سید شهاب الدین با وجودی که حاکم و مرد دنیا داری بوده ولی فقرای دراویش و علماء

و فضلا را دوست می داشته است و به این گروه ارادت داشته و احترام می گذارده است. خانواده سید علی از دیر باز بسیار محترم و معزز بوده است. سادات علوی همدان از زمان سلاجقه مقتدر و صاحب اثر و نفوذ بوده اند. و حکومت همدان بیشتر متعلق به افراد این خانواده است. قدرت و حکومت بیشتر دست علویان حسنی بوده؛ اما علویان حسینی هم تا حدی در اقتدار شریک بودند. پدر سید علی حاکم همدان و شوهر خاله اش سید علاء الدوله سمنانی قبل از ورود به وادی عرفان و ترک علایق، حاکم ناحیه سمنان بود. پدرش چندین غلام و برده در اختیار داشت و آنان را گاهی به امرای خود می بخشید. و در تربیت او مادرش فاطمه و شوهر خاله اش سید علاء الدوله سمنانی سعی بسیار کرده اند که در نتیجه آن سید علی به مراتب معنوی دست یافت. علی همدانی سه برادر و دو خواهر داشت. مادر و پدرش برای تعلیم و تربیت او همه امکانات لازم را فراهم کرده بودند. و او که از قریحه و ذوق و استعداد فوق العاده ای بهره مند بود از این تحصیلات استفاده وافق نموده در این علوم پیشرفت شایانی داشته است. او بیشتر وقت خود را در نوشتن و خواندن کتاب و کسب علم و دانش صرف می نمود. به لاهو و لعب و بازی های کودکانه التفات نمی کرد، حافظ قرآن بود و از علوم متداول بهره ی کافی داشت. وی «علی» تخلص می کرد. زادگاه میر سید علی، همدان است. و همه ی تذکره نویسان او را همدانی نوشته اند. سید هم در بعضی از رسایل خود را همدانی دانسته است. خودش می گوید:

پرسید عزیزی که علی اهل کجایی گفتم به ولایت علی کز همدانم
نی زان همدانم که ندانند علی را من زان همدانم که علی را همه دانم

وفات سید علی همدانی

سید علی همدانی در سن ۷۳ سالگی، در ماه ذی الحجه سال ۷۸۶ هـ. چشم از جهان بست. جعفر بدخشی می نویسد: «شب چهارشنبه ۶ ذی الحجه ۷۸۶ هجری علی همدانی تا نیم شب یا الله یا رفیق یا حبیب» می گفت و بعد از آن داعی اجل را لبیک گفت. علی همدانی، کلمات «باسم الله الرحمن الرحیم» را به کرات ورد می نمود، و همین کلمات قرآنی در لحظه نزع (جان کندن) بر زبان سید جاری بود که از روی ابجد سال وفات او می شود (۷۸۶ هـ.)

مرحوم استاد سعید نفیسی هم تاریخ و فائش را ۶ ذی الحجه سال ۷۸۶ هـ . دانسته است. (نفیسی، ۱۳۴۴: ۸)

اولاد امیر سید علی همدانی

از اولاد سید علی یک دختر و یک پسر به نام سید میر محمد همدانی را نام می برند که بعضی از فرزندان ایشان صاحبان شهرت و کمال بودند. و امروز نیز اخلاف آنان، در کشمیر، همدان، ختلان، بلخ، لاهور، اتک، پشاور، بهاول پور، کیمبل پور، علی گره و کان پور آباد به سر می برند (سید نثار حسین، ۱۹۸۷: ۳)

میردان و رفیقان امیر

مفتصد شخصیت بزرگ با سید از ایران به هند آمدند شخصیت های کشمیری بیاری در ضمن تبلیغ دین با امیر همراه بودند، بیاری از آنها در نتیجه عقیدت، ولایت و علم و فضل، شهرت خاصی حاصل نمودند که معروف ترین آنها سید تاج الدین همدانی (پسر عموی میر سید) میر سید حسین سمنانی، نور الدین جعفر بدخشی (مؤلف خلاصه المناقب) خواجه اسحق ختلانی بهاء الدین گنج بخش، میر سید حیدر، سید شمس الدین اندرابی، سید جلال الدین عطایی میر سید کمال ثانی، سید جمال الدین محدث، سید رکن الدین، سید محمد کاظم (مشهور به سید قاضی) سید محمد بیهقی، فخر الدین، شیخ محمد قریشی، شیخ احمد قریشی، شیخ سلیمان اول و غیره مرید و خلیفه های علی همدانی بوده اند. (قدوسی، ۱۹۶۶: ۳۹۰)

نوشته های میر سید علی همدانی

میر سید علی همدانی، نویسنده ای کثیر الآثار است. و تالیف بیش از صد و هفتاد کتاب و رساله فارسی و عربی را به او نسبت داده اند. (سید نثار حسین، ۱۹۸۷: ۴) مهم ترین آثار سید علی و موضوعات آن ها بدین قرار است:

۱- ذخیره‌ی الملوك

کتابی است شهره آفاق، که برای هدایت و راهنمای سلاطین نوشته شده است. در «لوازم قواعد سلطنت صوری و معنوی مبنی بر ذکر احکام حکومت و ولایت و تحصیل سعادت دنیوی و اخروی» در ده باب ۱- شرایط و احکام ایمان ۲- ادای حقوق عبودیت ۳- مکارم اخلاق و وجوب تمسک پادشاه و حاکم به سیرت خلفاء ۴- حقوق والدین و عیب و اقارب و اصحاب ۵- احکام سلطنت و ولایت و امارت و حقوق رعایا و شرایط حکومت ۶- سلطنت معنوی و اسرار خلافت انسانی ۷- امر به معروف و نهی از منکر ۸- شکر نعمت ۹- صبر از لوازم سلطنت ۱۰- مذمت کبر و غضب و ختم قرآن

۲- چهل اسرار: مجموعه چهل منزل عارفانه سید است که در ظرف یک شب سروده است.

۳- اوراد فتحیه: مجموعه اوراد و وظایف مختلفی است که امروز نیز در کشمیر با خضوع و خشوع در مجالس و خلوت مردم به ورد آن را می خوانند.

۴- موده فی القرب.

۵- شرح اسماء الحسنی.

۶- مجمع الاحادیث. مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۷- شرح فصوص الحکم.

۸- مرآه انابین.

۹- شرح قصیده همزه فارضیه.

۱۰- آداب المریدین.

۱۱- رساله‌ی مکتوبات.

۱۲- در معرفت صورت و سیرت انسان.

۱۳- در حقایق توبه.

علاوه بر سیاست عالم، اوراد و ادعیه و شعر، میر سید علی در تصوف، فقر و فتوت، قرآن و حدیث، رسالت، اسرار و رموز، اخلاقیات، طب و صحت و عقل و فراست کتاب ها و رساله هایی تألیف نموده که به جهت سادگی بیان و تأثیر و دلنشینی، از شاهکارهای بزرگ زبان فارسی و عربی بر شمرده می شود.

۱۴- **تلقینیه:** این رساله به اسم های آداب مبتدی، و رساله التوبه، در کتابخانه های مختلف موجود است. و برای سالکان مبتدی راه حق نوشته شده است. که خودش در مورد آن می نویسد، «این رساله ای است موجز و عجاله ایست مختصر در بیان آداب مبتدی و طالب ... الخ (حسنو نوربخشی، ۱۹۹۶: ۴۳)

۱۵- **همدانیه:** این رساله را در جواب پرسش یک مرید خویش رقم زده بود. در بیان معنی نام «همدان» و تفسیر «همه دان» به روش عرفانی از آیات و احادیث شواهد آورده است.

۱۶- **رساله عقبات:** که به نام های قدوسی و حقیقت ایمان در کتاب خانه ها قرار دارد. در آن از حسن اعمال بیان شده است که انسان را با صفات قدوسی متصف می سازند. در آن ذکری از چهار عقبه شده است که به نظر شاه همدان در میان خدا و بنده حایل اند و برای رهایی از آن ها راه های مختلف وجود دارد. مخاطبان این نامه ها عبارتند از: سلطان قطب الدین شاهمیری، پادشاه معروف کشمیر (۷۷۵-۷۹۶) که از مریدان میر سید علی بوده است، نور الدین جعفر بدخشی (متوفی ۷۹۷ هـ.). یکی از مریدان سید و صاحب خلاصه المناقب مولانا شیخ محمد خوارزمی، از یاران و همسفران سید و سلطان طغان شاه حاکم ناحیه ی پگهلی متصل به «کتر» در نزدیکی مرز افغانستان و پاکستان، سلطان محمد بهرام شاه بن سلطان خان و حاکم ناحیه های بلخ و بدخشان، سلطان غیاث الدین حاکم ناحیه پگهلی متصل به کتر، ملک شرف الدین خضر شاه جانشین سلطان غیاث الدین، از مریدان سید که نامه خطاب به وی به عنوان «وصیت نامه» شهرت یافته است و میرزاده میرکا از امیر زادگان بلخ و بدخشان.

میر سید علی همدانی در بسیاری از مناطق شبه قاره به ویژه کشمیر مردم را از ظلمت کفر و شرک نجات داده به روشن ترین راه های اسلام هدایت نمود. خطابه ها و مواعظ همدانی به فارسی بوده، که در گسترش زبان فارسی و شعر و ادب آن در سرزمین شبه قاره، نقش موثری را ایفا نموده است. او نه تنها مردم این سرزمین را با دین مبین اسلام آشنا ساخت بلکه در ترویج هنرها و صنایع دستی ایران اعم از قالی بافی، ابریشم بافی، سنگتراشی، معماری و ... نیز سعی بلیغ نموده است. وی علمدار علم و معنویت و خدمت به خلق بوده و حکمت علمی، اخلاق و سیاست مدن و عرفان، کلام، فقه و حدیث و تفسیر و ... را در خطه ی پهناور شبه قاره، پخش و نشر کرد. وی با عبادت و ذکر و فکر و تصفیه باطن هم بت های درون را شکست و هم به

بندگان خدا کمک نمود. وی ریاضت ها کرد و مجاهدت ها نمود. تشنگی ها و گرسنگی ها را تحمل نمود، و در علم و عمل و تقوی به مقام بلندی رسید.

میر سید علی همدانی بیست و یک سال در گوشه و کنار دنیا به سیر و سیاحت پرداخت. و دوازده حج به جای آورد. و از مناطق ایران و شبه قاره، ماوراءالنهر و افغانستان و ... دیدار هایی به عمل آورد. این همه مسافرت ها و بازدیدها بی هدف نبوده، و هدف اصلی و اساسی وی تبلیغ و ترویج اسلام و انجام وظیفه ی الهی و انسانی بود. و این هدفی بود که سید در شبه قاره بیش از همه جا آن را تعقیب می کرد. و به تدریس معارف اسلامی و تربیت شاگردان می پرداخت به طوری که قبلاً ذکر آن گذشت، همدانی با هفتصد سید هنرمند ایرانی از راه کشمیر شبه قاره با رفیقان و نزدیکان خود در محله ای بنام علاء الدین پوره بر کنار رود خانه ی جهلم فعلی فرود آمد. این همان جایی است که بعد ها در آن خانقاه بزرگی تأسیس شد. که بنام مسجد شاه همدان معروف است. علی همدانی بعد از ادای نماز صبح و ذکر و ورد و وظایف شرعی در مقام بلندی می نشست و به مردم پند و اندرز می داد. او تعلیمات را با لحنی شیرین و جذاب و به لهجه ای که مردم عادی آن را درک کنند القاء می کرد. او به زبان فارسی وعظ و اندرز می کرد و گاهی بعضی از دوستانش که چندی پیش از ورود سید به این منطقه وارد شده بودند، و زبان محلی را به خوبی می دانستند، برای عموم مردم ترجمه می کردند.

سید همدانی پیشوای شریعت و طریقت بوده و در اجرای وظایف فردی و خانوادگی، اجتماعی، و انسانی نیز دقت می ورزیده است. او در کارهای مفید اقتصادی شرکت فعال داشت. از تنبلی و بیکاری دوری می جست. برای کسب حلال خودش کار می کرد. با پیشه ی کلاه بافی، معاش خویش را تأمین می کرد. و هزینه ی زندگی را فراهم می آورد. از هیچ کس هدیه نمی پذیرفت؛ بلکه دستمزد خویش را که از راه قالی بافی، شال بافی و کلاه دوزی به دست می آورد در راه خدا و برای کمک به مستمندان می داد. داشتن زن و فرزند نشان می دهد که در نظر او تصوف به معنی ترک دنیا و رهبانیت نیست. در باب چهارم رساله ی خویش «ذخیره ی لملوک» بر این تأکید می ورزد. وی معتقد است که تکلیف انسان در خانواده ی خویش باید بر مبنای فرهنگ اسلامی استوار باشد.

به روایتی سید هفت نوبت معموره ی عالم را گشته است. و هزار و چهارصد و سی و چهار کس از اولیای خدا را دریافته است. (اذکایی، ۱۳۷۰: ۳۹) علی همدانی در منطقه ی کشمیر به تبلیغ دین پرداخت و مبلغان و واعظان زیادی را تربیت کرد و سپس آنها را به ناحیه های مختلف فرستاد تا دین اسلام را به مردم بشناساند و در این کار موفقیت های شایانی به دست آورد. علی همدانی با علماء و مسافران و افرادی از مذاهب دیگر مثل هندوها و بودایی ها مناظره هایی انجام می داد و در این مناظره ها موفقیت های بسیاری نصیب وی می شد. در دوران اقامت او در کشمیر سی و هفت هزار تن توسط او مسلمان شدند. و با نفوذ فوق العاده ی او دین اسلام در آن منطقه گسترش بیشتری یافت. به گفته ی مولف رساله ی «مستورات» سید، مردم کشمیر را طوری به اسلام شیفته و مفتون ساخته بود که آنان معبدهای قبلی را به مسجدها مبدل می ساختند. (ریاض، ۱۹۷۲: ۴۹) علامه اقبال در «جاوید نامه» تجلیل کم نظیری از میر سید علی (شاه همدان) کرده و نشان می دهد که آن مرد بزرگ علاوه بر تبلیغ دین اسلام، فنون و صنایع ایران را نیز به نو مسلمانان کشمیر آموخته تا بدین وسیله بتوانند زندگی آبرومندانه ای پیش گیرند. بعد از ورود شاه همدان و هفت صد نفر دیگر از مبلغان اسلامی ایران، کشمیری ها به سرعت صنایع قالی بافی، و شال بافی و منبت کاری و ظروف سازی و نقره کاری را فرا گرفتند و در کاغذ سازی، صحافی، خط نستعلیق و نسخ پیش رفتند صنایع کشمیر در سر تا سر جهان شهرت و معروفیت پیدا نمود پادشاهان معاصر سید علی در کشمیر (شهاب الدین و قطب الدین) نسبت به سید احترام زیادی داشتند و فرامین دینی او را بی کم و کاست اجرا می کردند. استاد حکمت در مورد سید می گوید: «در ظل حمایت قطب الدین، پادشاه تازه مسلمان آن سرزمین به تعلیم و تبلیغ دین حنیف پرداخت. و صدها هزار هندوی آن ناحیه را به مذهب اسلام در آورد. (حکمت، ۱۳۳۳: ۲۴۴) هندوان و بودایی ها که در سحر و جادو چیره دست بودند، وقتی تحت تأثیر سید قرار می گرفتند و کراماتی را از آنجانب مشاهده می کردند به دین مبین اسلام می گراییدند. و این امر روحیه ی عموم مردم را تغییر می داد. خانقاه ها و مدرسه هایی در سرزمین کشمیر و مناطق همجوار آن تاسیس شد که فرهنگ ایران زمین را در این سرزمین زنده ساخته و هنوز هم مرجع خلائق می باشد.

سید علی همدانی در حدود پنج سال در نواحی جامو و کشمیر و گلگت و بلوچستان به سیاحت پرداخت و صدای دین مبین اسلام را در آن سرزمین طنین انداز ساخت. خانقاه ها و مساجد آن سامان را به نام «مساجد امیر» می شناسند. در شگر مسجدی ساخته که سوره ی مزمل به صورت نقش در کاشی های آن هنوز وجود دارد می گویند مجموعه ی «اوراد فتحیه» خود را سید در همان نواحی جمع آوری نموده بود. عصا و تبرکات دیگر او نیز در بلوچستان نگهداری شده اند. (ریاض ۱۹۷۲ : ۲۰) علی همدانی در همه ی موارد تبلیغ اسلام، یک مرشد روحانی و عالم ربانی و مبلغ بی نیاز از دربار سلطان به نظر می رسد. بعضی از امراء و پادشاهان نسبت به او ارادت خاصی داشته اند و بیشترشان مرید او بوده اند. امیران از او راهنمایی می خواستند. وحتی در امور کشوری نیز طبق نصیحت های او عمل می کردند. بزرگترین و مهمترین اثر او «ذخیره الملوك» است و این کتاب را بنا به خواهش بعضی از پادشاهان نوشته ولی ذکری از نام آنان نکرده است. سید علی رساله ی «عقبات» را به نام سلطان کشمیر قطب الدین نوشته است. در مجموعه ی مکتوبات او نامه هایی به نام پادشاهان و امیران دیده می شود. بنابراین مکتوبات سید علی همدانی یک شخصیت فوق العاده با نفوذ به نظر می رسد. با کمال صراحت و به لحن بی باک و نترس به امراء پند و اندرزهای دینی می دهد و آنان را به اجرای اوامر و نواهی او می دارد. با میرزاده میرکا، سلطان محمد شاه حاکم بلخ، سلطان غیاث الدین حاکم پکھلی، سلطان قطب الدین پادشاه کشمیر، سلطان طغان شاه حاکم کتر و سلطان علاء الدین مکتبه می نمود و اشخاص فوق الذکر را مورد انجام اوامر و اکراه از نواهی وادار می ساخت. سلطان بهرام شاه حوشی، از مریدان مخلص میر سید علی همدانی بود و از مشاهده ی کرامات سید علی به اصلاح احوال خود پرداخته و به عنوان یک فرمانروای عادل و متقی حکومت کرد وقتی در رویا سید علی همدانی وی را تنبیه کرد در نتیجه به حضور علی همدانی رسیده و بر دست او از اعمال زشت خود تائب شد و از آن پس زندگانی را خدا ترسانه می گذرانید. مردم او را شیخ سلطان می گفتند. این پادشاه زمانی حکومت بلخ و بدخشان را بر عهده داشت و زمانی فقط پادشاه بدخشان بود در این زمان وی طبق دستورات علی همدانی برای رفاه مردم کارهای ارزنده ای انجام داد. همین پادشاه رساله و ارادات امیر علی همدانی را خلاصه کرده و آنرا ورد زبان خود داشت همان گونه که گفته شد کتاب «ذخیره الملوك» نیز از نصایح سید معمر به

حاکمان است. در همین کتاب مکتوبی به نام سلطان علاء الدین حاکم پکهلی خلاصه شده است که طی آن می فرماید که پادشاه و حاکم اسلام باید به روش خلفای راشدین و پادشاهان نیکدل و متقی اسلام گام بر دارند و در امر بالمعروف و نهی عن المنکر بکوشند. نامه ای به نام سلطان طغان شاه نیز بر همین موضوع مشتمل است. در نامه ی دیگری به نام میرزاده میرکا، پند و اندرز مرشدانه ای دارد و در اهمیت توحید و تبلیغ دین از روی سوره ی عصر اجتهاد کرده است. در منطقه پکهلی به تقاضای سلطان آن منطقه، غیاث الدین به وعظ و تبلیغ دین اسلام پرداخت. ولی آشوبگران و کفار آن منطقه به سلطان آسیب های زیادی وارد آوردند. و سلطان در جلوگیری از آن آشوب و تأمین نظم و آرامش منطقه ناکام ماند. سید در نامه ای از این وضع شکوه می کند و می فرماید: «ای عزیز خود را به حالی مبتلا کردی که آسمانیان بر حال تو نوحه کردند و زمینیان بر فال تو الفسوس داشتند. و جمیع اهل بدعت و ضلالت را شاد گردانیدی و هم یکی از اهل الله و ارباب قلوب را محزون و مخزول کردی و حضرت صمدیت را به جمیع انبیا و ملائکه خصم خود ساختی» می فرماید که مردم این ناحیه نسبت به اهل بیت رسول و سادات احترام نمی گذارند و این امر فساد نیت ایشان و ضعف ایمان آنان را نشان می دهد. البته اگر ایشان به روش سفاکی یزید عمل نکنند، علی همدانی هم به روش حسین بن علی متمسک است. و اگر جمله زمین آتش گیرد و از آسمان شمشیر بارد آنچه حق باشد ننوشد و به جهت مصلحت فانی، دین به دنیا نفروشد.

حاکمان پکهلی یکی بعد از دیگری برای علی همدانی احترام زیادی قایل بودند. و طبق راهنمایی سید شریعت اسلامی را در قلمرو خود رواج دادند. حتی روزهای آخر زندگانی را سید در قلمرو سلطان پکهلی حضور داشت. و به اصرار سلطان چند روزی مهمانش بود و در نزدیکی دار الحکومه او فوت کرده است. روابط سید با حکام آن ناحیه تا آخر روزهای زندگی او ادامه داشته است. در نتیجه کوشش های علی همدانی و همراهان او، در کشمیر زبان فارسی و عربی برای تدریس علوم دینی و دنیوی جای زبان سانسکریت را گرفت. مردم به زبان و ادبیات زادگاه علی علاقه خاصی نشان می دادند و در کوتاه ترین مدت این زبان و فرهنگ و تمدن ایرانی در آن ناحیه گسترش پیدا کرد و این منطقه «ایران صغیر» نامیده شد. شاعر شرق علامه اقبال لاهوری چنین از عظمت و علو مقام میر سید سخن می گوید.

سید السادات سالار عجم	دست او معمار تقدیر امم
سید آن کشور مینو نظیر	میر و درویش و سلاطین رامشیر
جمله را آن شاه دریا آستین	داد علم و صنعت و تهذیب و دین
آفرید آن مرد ایران صغیر	بار هنرهای غریب و دلپذیر
یک گناه او گشاید صد گره	خیز و تیرش را به دل راهی بده

سید علاوه بر تبلیغ دین و کسب حلال بر حسن اداره جامعه نیز نظارت داشته برای اصلاح امور و اجرای احکام الهی در صحنه ی اجتماع نیز ناظر بوده حتی درین مورد، به نصایح نرم و ملایم اکتفا نمی کرد؛ بلکه در برابر قدرتمندان لحنی تند و تیز و آمرانه را به کار می برد. در نامه ای خطاب به یک شاه می نویسد که در روز قیامت کار پادشاه و حاکم از همه سخت تر است. زیرا هر کسی را از احوال وی پرسند و حاکم را از احوال جهانیان خواهند پرسید. اگر در آن روز توقع عفو و غفران داری از آن حضرت، امروز با بندگان او به عدل و احسان معامله کن. و این وقتی میسر شود که ایران رعایا را چون فرزند باشی و جوانان را چون برادر و طفلان را چون پدر و مظلومان را ناصیر و ظالمان را قانع و فاجران را فاصح و تائبان را ناصح و مطیعان را معین و در قول صادق و در عهد واثق و در نعم شاکر و در محنت صابر و در عمل مخلص و در رفعت متواضع و در جمال پارسا. ای عزیز، پادشاه امین و وکیل، خزانه دار حق است، بر تو باد که در خزانه ی حق به هوای نفس و تسویل شیطان تصرف نکنی و آنچه بگیری به حق گیری و حق به مستحق رسانی تا در عذاب و فضیحت هول اکبر نمائی... ای عزیز اگر در ولایت تو یک گرسنه یا برهنه یا ظلم رسیده باشد، و ترا از حال وی خبر نبود، و تفقد حال وی نکنی، ترا از مرتبه ی اهل تقوی نصیب نیست.

نتیجه

سید علاوه بر داشتن مقام علم و عرفان، یک مجاهد است. وی بنیان گذار طریقت و مکتبی است که پیروان و پیش روان آن چه در روزگار وی و چه پس از آن نمونه های عالی دفاع از حق و نبرد با بیداد و ستم بوده اند. و درین راه از فدا کردن مال و جان خویش، هیچ دریغ نورزیده اند. سید همدانی در نظر میلیون ها مسلمان از ملیت ها و مذاهب مختلف، حرمت و

تقدسی یافته است که خیلی کمتر از بزرگان اسلام را دست داده، بسیاری از مساجد و خانقاه ها خصوصاً در مناطق کشمیر و جامو و گلگت و بلوچستان به نام او نامگذاری شده اند. صدها هزار نفر در این رلایات، خویش را پیرو طریقت او می شمردند هنوز هم بقایای ایشان در پاکستان به نام نور بخشی ها، و در ایران به عنوان ذهبی ها و اویسی ها وجود دارند. پیروان مسالک مختلف (شیعه، حنفی، شافعی و حنبلی) هر کدام او را از خود می دانند. وی از نوادگان علی(ع) بوده و ارادت و دل بستگی شدید او به آن حضرت و سایر اهل بیت و ائمه شیعه از آثار متعدد او که در ذکر مناقب آن بزرگواران نگاشته آشکار است. در نظر وی امامان بر دیگران برتری و تفوق داشتند. ولی در نوشته های خود نسبت به پیروان سایر مذاهب اسلامی و پیشوایان آنان احترام لازم را مراعات می کند.

بسیاری کرامات را به او نسبت داده اند. استمداد از روح والای وی امروز نیز در کشمیر متداول است. مثلاً قایق ران رودهای متلاطم کشمیر هرگاه از پارو زدن خسته می شوند، از روح بزرگ سید استمداد می طلبند و فریاد بر می دارند «یا شاه همدان». همه اینها و شواهد و آثاری که از او بخصوص در جامو و کشمیر به چشم می خورد یاد مرد بزرگی را در ذهن ها بیدار می سازد که مظهر لطف و عنایت ازلی دانسته می شود.

منابع

- ۱- اذکابی، پرویز (۱۳۷۰) مروج اسلام در ایران صغیر، چاپ اول، همدان.
- ۲- اقبال لاهوری (۱۳۴۳) کلیات اقبال به کوشش احمد سروش، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
- ۳- بدخشی، نورالدین جعفر (۱۳۷۴) خلاصه المناقب، به تصحیح دکتر اشرف ظفر، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ۴- حسن‌نوربخشی، غلام حسن (۱۹۹۶) رسایل حضرت شاه همدان، لاهور: اداره معارف سهروردیه اورینتال پبلیکیشنز.
- ۵- حکمت، علی اصغر (۱۳۳۷) سرزمین هند، تهران: دانشگاه تهران.
- ۶- ریاض، محمد (۱۳۷۰) احوال و آثار و اشعار میر سید علی همدانی، چاپ دوم، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی.
- ۷- ——— (۱۹۷۲) ماهنامه فکر و نظر، اسلام آباد.
- ۸- سید نثار حسین (۱۹۸۷) شاه همدان، امیر کبیر، سید علی همدانی، اشاعت خاص به سلسله کنفرانس های بین المللی شاه همدان.
- ۹- غلام سرور، مفتی (بی تا) خزی به اصفیاء، جلد دوم، هند: نولکشور.
- ۱۰- قدوسی، اعجاز الحق (۱۹۶۶) تذکره صوفیای سرحد، لاهور: مرکزی اردو بورد.
- ۱۱- نفیسی، سعید (۱۳۴۴) تاریخ نظم و نثر فارسی در ایران و در زبان فارسی، تهران.